

نقش زنان در نظام وقف عثمانی

حسن یوکسل^۱

ترجمه: علیرضا مقدم^۲

چکیده:

امروزه بعد از گذشت هفتصد سال از تاسیس امپراتوری عثمانی، آثار و بناهایی نظیر کاروانسراها، حمام‌ها، مساجد، مدارس، تیمچه‌ها، چشمه‌ها، پل‌ها و... سمبل و معرف آن امپراتوری به شمار می‌روند.

در این نوشته، به مناسبات بین زنان و اوقاف در جامعه عثمانی و همچنین زنان واقفی که با استفاده از اموال شخصی به ایجاد موقوفات پرداخته و بدینگونه در خدمات اجتماعی-فرهنگی دوره عثمانی سهم و نقشی داشته‌اند، خواهیم پرداخت. از این رو موارد زیر مورد بحث قرار خواهد گرفت: جایگاه زنان واقف در طبقات اجتماعی عثمانی، خاستگاه، منابع ثروت و اهدافشان از ایجاد موقوفات، از سوی دیگر بر آن خواهیم بود تا نسبت و پراکندگی جغرافیایی زنان واقف در قرون دهم و یازدهم هجری در مقایسه با تمام واقفان عثمانی و نیز دوره‌های دیگر را مشخص سازیم.

واژگان کلیدی:

عثمانی، دولت عثمانی، زنان واقف در دولت عثمانی، زنان واقف



در این نوشته، به مناسبات بین زنان و اوقاف در جامعه عثمانی و همچنین زنان واقفی که با استفاده از اموال شخصی به ایجاد موقوفات پرداخته و بدین گونه در خدمات اجتماعی فرهنگی دوره عثمانی سهم و نقشی داشته اند، خواهیم پرداخت. از این رو موارد زیر مورد بحث قرار خواهد گرفت: جایگاه زنان واقف در طبقات اجتماعی عثمانی، خاستگاه، منابع ثروت و اهدافشان از ایجاد موقوفات. از سوی دیگر بر آن خواهیم بود تا نسبت و پراکندگی جغرافیایی زنان واقف در قرون دهم و یازدهم هجری در مقایسه با تمام واقفان عثمانی و نیز دوره‌های دیگر را مشخص سازیم.

مناسبات میان زنان و اوقاف در جامعه عثمانی

تا آنجا که می‌دانیم درباره مناسبات زنان و اوقاف در جامعه عثمانی، غیر از دو پژوهش زیر تحقیق مستقلی صورت نگرفته است: یکی «زنان واقف در تاریخمان: وقف

نامه‌های سلطان بانوها» که به کوشش تولای دوران رییس مرکز مطالعات استانبول وابسته به بنیاد تأسیس و توسعه مراکز مطالعات و اسناد تاریخی، و با حمایت بانک اوقاف منتشر شده است.^۵ در این اثر تصویر صفحات نخست و تذهیب دار سیزده وقف نامه مربوط به سلطان بانوها (خانم‌های درباری، خانم‌های سلطنتی) به همراه قسمت‌های دربرگیرنده شروط آن وقف نامه‌ها، همچنین تصویر دیباچه‌های تذهیب دار پنج ذیل وقف نامه^۶، تصویر قسمت مذهب شهود دو وقف نامه، به همراه برگردان لاتین متن آن‌ها ارائه شده است. علاوه بر این، شروط عقار و خیرات ۴۷ ذیل وقف نامه هم به صورت خلاصه آورده شده است.

دومین اثری که مناسبات زنان و اوقاف را موضوع تحقیق خود قرار داده، مقاله‌ای است از «گابریل بائر» که با استناد به تحلیل دفتر تحریر شماره ۱۵۴۶ استانبول نوشته شده و در یادنامه همین شخص به چاپ رسیده است.^۷ همانطور که می‌دانیم هدف اصلی از

وقف، کمک به برآورده شدن نیازهای ضروری همه افراد جامعه است؛ از این رو به طور کلی هر فردی از افراد جامعه عثمانی کم و زیاد از خدماتی که اوقاف ارائه می‌کردند بهره مند می‌شد؛ به دیگر سخن می‌توان گفت که زنان نیز به اندازه مردان می‌توانستند از این خدمات ارائه شده به عموم استفاده کنند.

باید توجه داشت که همانند حکومت‌های اسلامی دیگر، در جامعه عثمانی نیز، اگرچه وقف برای ارائه برخی خدمات اجتماعی، فرهنگی و دینی مورد نیاز جامعه صورت می‌گرفت؛ اما برخی نیز با اهداف دیگری اقدام به ایجاد موقوفات و وقف اموال می‌کردند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. جلوگیری از مصادره اموال و دارایی‌ها^۸؛
۲. نگاه داشتن ثروت خانوادگی و متعاقب آن یکپارچگی خانواده^۹؛
۳. جلوگیری از مناقشه فرزندان بر سر میراث و هدر دادن ثروت خانواده

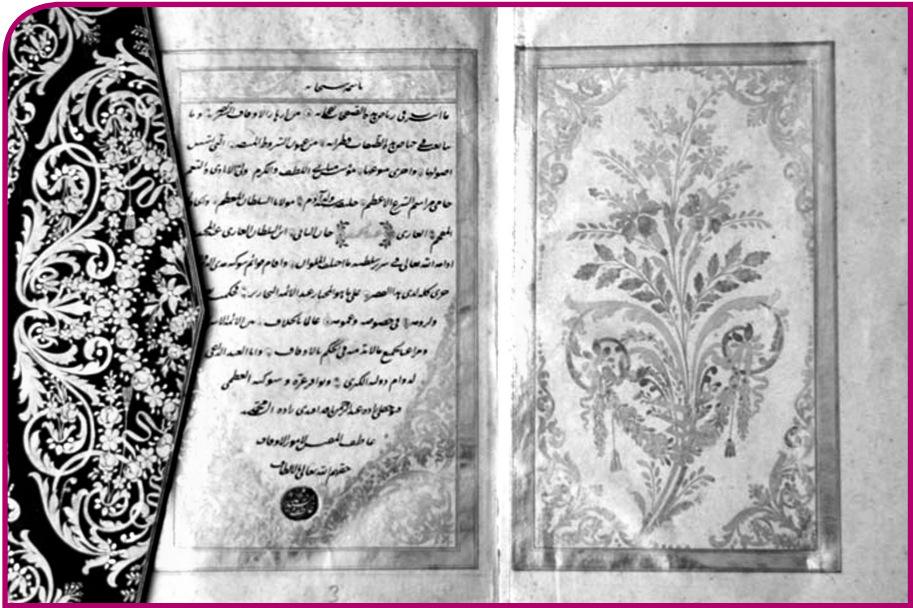
در راه‌های نامشروع^{۱۰}؛
۴. به نیکی یاد شدن قبل^{۱۱} و بعد از مرگ در جامعه^{۱۲}.
در این نوشته به تک تک این موارد نخواهیم پرداخت. تنها به منافع و ضررهایی که در جامعه عثمانی از راه اوقاف متوجه زنان می‌شد، به عبارت دیگر چگونگی استفاده از این مؤسسه به نفع یا به ضرر زنان اشاره خواهیم کرد.

الف - منافی که از راه وقف برای زنان فراهم آورده می‌شد:

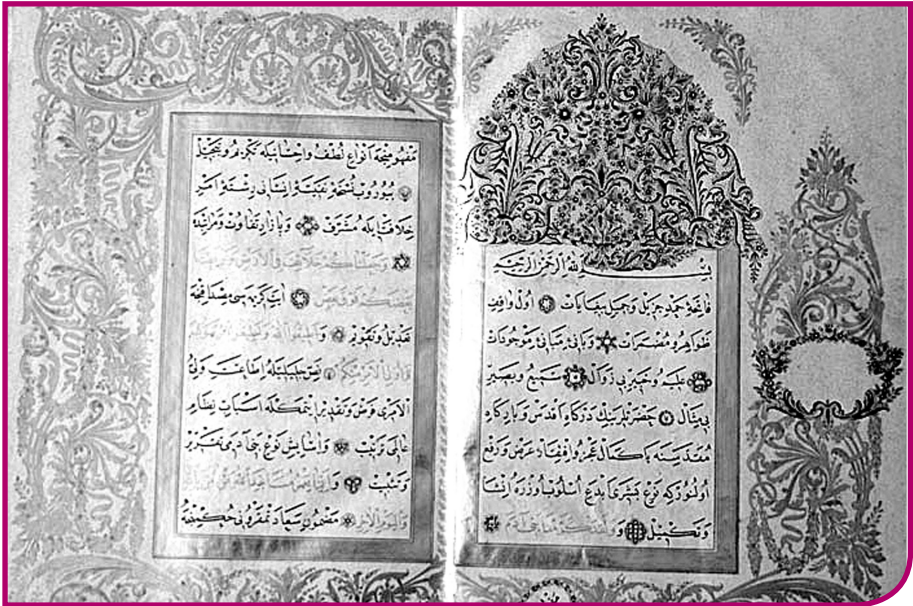
اگرچه در میان عثمانیان حقوقی عرفی متشکل از عادات و سنن قدیم و اوامر پادشاهانه وجود داشت، با این حال از آنجا که امپراتوری عثمانی دولتی اسلامی بود، قوانین اصلی مشخص کننده چارچوب زندگی اجتماعی مستند به حقوق اسلامی (شرع شریف) بود؛ از این رو مردم در موارد بسیاری برای فرار از احکام ضروری حقوق اسلامی، به حيله شرعی یا فتوهای فقها متوسل می‌شدند، فتوایی که فقها با استناد

به عرف بلده (عادات محلی) صادر می‌کردند. برای مثال بر اساس حقوق شرعی، سهم مرد از ارث دو برابر زن است. این حکمی قطعی و مستند به آیه قران است. با این همه به تعداد زیادی واقف عثمانی از طبقات مختلف بر می‌خوریم که از طریق وقف خانوادگی (ذری) برای تمام فرزندان چه پسر و چه دختر سهم یکسانی تخصیص داده‌اند. به عنوان نمونه فرشته زاده مدرس حمزه افندی که به سبب مدرس بودنش قطعاً از حقوق اسلامی آگاهی کافی داشته است در وقفی که به تاریخ ۱۰۴۴ در مغنیا ایجاد کرده، اختصاص مازاد درآمد آن وقف را به طور مساوی بین فرزندان ذکور و اناث شرط قرار داده است.^{۱۳} عبدالباقی پاشا در وقفی به تاریخ ذی الحجه ۱۰۲۴ در ادرنه، مازاد درآمد آن را به فرزندان خود، فرزندان خواهرش چه فقیر و چه غنی و «ذکور و اناث علی السویه» اختصاص داده است.^{۱۴} وزیر حرامی احمد پاشا نیز مازاد درآمد موقوفات خود را به طور مساوی بین اولاد پسر و دختر خود

تقسیم کرده است.^{۱۵} الحاج بزاز احمد در وقفی خانوادگی به تاریخ ۲۰ شوال ۱۰۹۲ در استانبول ۱۴ باب اتاق و ۴ باب مغازه خود را وقف کرده است. در شروط وقف او آمده که تا زمان مرگ حق تصرف و تولیت اوقاف با خود او خواهد بود و پس از مرگ نیز فرزندان، زوجه، امّ ولد، جاریه آزاد شده و دو دختر عمویش به طور مساوی از وقف بهره مند خواهند شد.^{۱۶} اگر بزاز احمد این وقف را ایجاد نمی‌کرد و شروط مذکور را در آن نمی‌گنجاند، یعنی اگر پیش از تأسیس این وقف در می‌گذشت، بر اساس حقوق شرعی، غیر از اولاد و همسرش، خویشاوندان دور و جاریه هایش از میراث او محروم می‌ماندند.^{۱۷} در همین مقوله واقفی به نام ام هانی خاتون بن علی پاشا با تأسیس وقفی، درآمدی را به بسیاری از خویشاوندان و نزدیکان خود حتی جاریه‌های سیاه و سفیدش اختصاص داده است. ام هانی خاتون در وقفی که به تاریخ ۱۶ جمادی الاولی ۱۰۹۴ برپا داشته، برای محمدچلبی و اسماعیل چلبی فرزندان



صفحه نخست وقف نامه خواجه نوفدان خانم ۱۲۶۶ هجری



صفحه ۴ و ۵ وقف نامه خواجه نوفدان خانم ۱۲۶۶ هجری

وقف میراث جاویدان شماره ۲۷ و ۲۸ بهار و تابستان ۱۳۹۱

برادر مادری اش مصطفی چلبی، روزانه نفری پنج آقچه مقرری تخصیص داده که بعد از مرگ آن‌ها نیز بین فرزندان ذکور و اناتشان به طور مساوی تقسیم خواهد شد. از شروط دیگر وقف ام‌هانی آن بوده که به جاریه‌های سفید پوست او سرباده، صالحه، فادمه و ربیعه روزانه هر کدام یک آقچه داده شود که می‌بایست بعد از مرگ آن‌ها این مقرری تا زمان قطع شدن نسلشان به فرزندان پسر و دختر آن‌ها پرداخته شود. درباره جاریه‌های زنگی یعنی عایشه، فاطمه و مبروره، و نیز زلیخا از خدمتکاران معروف به بَسَلَمَه، باید همین گونه رفتار می‌شد، یعنی روزانه یک آقچه مقرری دریافت می‌کردند.^{۱۸} در این بین بوده‌اند کسانی که تمام میراث خود را به اولاد دختر واگذار کرده‌اند. برای مثال در یکی از قیودات دفتر سجل شرعی مورخ اول ربیع الاول ۹۳۷ ثبت است که مولانا حسام از منسوبین طبقه علما، به نزد قاضی رفته و اعلام و تسجیل کرده که محل سکونت خود در روستای بور (Bor)

محلّه اورتا (وسط) را به همراه دو باغ و تمام کتاب‌ها و گاوهایش به دخترش عایشه وقف (از نوع فرزندی) کرده است.^{۱۹} این موارد اموری استثنایی نبوده‌اند؛ چرا که ۱۴/۶۹ درصد واقفان قرن یازدهم (یعنی ۴۶ مورد از ۳۱۳ مورد وقف) اموال وقفی خود را علی السویه به اولاد دختر و پسر خویش اختصاص داده‌اند.^{۲۰} چنین مساله‌ای که البته به نفع زنان نیز بوده است، تنها از طریق وقف می‌توانسته صورت واقعیت به خود بگیرد؛ حتی مشاهده می‌کنیم که هدف برخی واقفان از تأسیس وقف، حفظ عفت زنان بوده است. برای نمونه قارا چلبی زاده محمد افندی در وقفی که در استانبول ترتیب داده، سالانه ۲۰۰ آقچه برای زنان بی شوهر عتق‌ای عاری از فسق و فجور خود اختصاص داده است.^{۲۱} واقفی در بورسا (بروسه) حق سکونت خانه موقوفه خود را بعد از مرگ به زنش داده به شرطی که با مرد دیگری ازدواج نکند.^{۲۲} واقفی دیگر با نام الحاج عبدی بیگ از اهالی قیصریه

حق سکونت در خانه موقوفه‌اش را به دخترانش به شرط مطلقه بودن و یا شوهر نکردن و همسرش به شرط آنکه بعد از مرگ وی به کس دیگری نرسد داده است.^{۲۳} واقفی نیز در اُسکُدار (قسمت آسیایی استانبول) برای هریک از جاریه‌ها و بندگان آزاد شده‌اش منزلی به جهت سکونت در طول دوران مجردی وقف کرده است.^{۲۴}

در جامعه عثمانی یگانه جایی که زنان می‌توانسته‌اند مدیریت آن را بر عهده داشته باشند اوقاف بود. چنانکه برخی از واقفان قرن یازدهم هجری تولیت موقوفاتشان را به همسران، دختران، خواهران و دیگر خویشاوندان زنشان داده‌اند.^{۲۵} برای مثال از سندی به تاریخ اواسط جمادی الاولی ۱۰۴۱ در می‌یابیم که متولیان زاویه حلویابی بابا در آنکارا سه زن به نام‌های فاطمه، اسمی خان و عایشه بوده‌اند که زمینی بایر از موقوفات پدرانشان را به یهودیان برای دفن مردگانشان در قبال دوهزار آقچه اجاره معجله و سالانه یک فلوری اجاره داده‌اند.^{۲۶} از قیدی در دفتر مهمه به تاریخ

۹۹۳ هجری بر می‌آید که ناظر موقوفات گدیک احمد پاشا، دخترش بوده است.^{۲۷} زنان در عثمانی از همان قرون نخست تولیت موقوفات را بر عهده داشته‌اند. برای مثال عمر لطفی بارکان سطرهایی از دفتر مفصل آنکارا به تاریخ ۹۲۳ (آرشیو نخست وزیری استانبول، ش ۴۵۷) را این گونه نقل کرده است: «قریه بایندر: تیمار اخی طوسون بیگ و اخی احمد، در زمان خداوندگار [سلطان مراد اول] نیز اراضی بوده است؛ اما اخی احمد سهم خود را به مدرسه‌ای که در آنکارا ساخته، وقف کرده است. دخترش حنظه خاتون را متولی آن ساخته که بر وجه تولیت تصرف کرده در سال دو و نیم سرباز به سپاه بفرستد؛ زیرا ملک بوده، حکم حضرت پادشاه در دست دارد که بیانگر این موضوع است (...).»^{۲۸}

حتی مشاهده می‌کنیم که در موقوفات وظایفی بر عهده زنان می‌گذاشته‌اند. برای نمونه واقف وقفی در برگامه (Bergama) شرط کرده که برای تمیز کردن بخش زنانه مسجد، فراشی زن استخدام شود.^{۲۹}

ب - استفاده از وقف علیه زنان:

به همان میزان که مؤسسه وقف به نفع زنان به کار گرفته شده، علیه آنان نیز مورد استفاده بوده است. برای نمونه برخی برای محروم کردن دخترانشان از ارث، به عبارت صحیح تر تسلیم دارایی‌هایشان به صورت یکپارچه به فرزندان ذکور، اوقاف خانوادگی (ذُری) و نیمه خانوادگی ایجاد کرده و با شروطی که بر آن گذارده‌اند، این مهم را جامه عمل پوشانیده‌اند. به دیگر سخن توانسته‌اند دختران خود را از ارث محروم سازند. برای مثال الحاج صفر بن ابوالخیر در وقفی خانوادگی (اولادی) که به تاریخ اول محرم ۱۰۳۱ در قیصریه ایجاد کرده، منابع درآمدی آن را که عبارت است از اجاره بهای چهار مزرعه، دو مغازه و سهمی از دو مغازه دیگر، به اولادِ اولادِ اولادان ذکورش اختصاص داده است؛ در صورت قطع شدن نسل اینان نوبت به دختران و فرزندان آن‌ها می‌رسید. ۳۰ مدرس قلندر احمد چلبی در وقفی خانوادگی که به تاریخ ۱۰ شوال ۱۰۶۳

در مرعش برپا داشته اجاره ۵۳ باب مغازه و ۲۳ باب اتاق را در زمان حیات به خود، بعد از آن به فرزندان ذکورش و اولاد اولاد اولادان آن‌ها و در صورت قطع نسل اینان به فرزندان دختر و فرزندان آن‌ها اختصاص داده است. ۳۱ مصطفی پاشا بیگلربیگی نیز در وقفی نیمه خانوادگی مازاد درآمد آن را به اولاد صلبی اش حسن بیگ و نوه‌های ذکور وی و فرزندان آن‌ها، در صورت قطع شدن نسل اینان به نوادگان دختر و اولاد آنان اختصاص داده است. ۳۲ همانطور که در هر سه وقف نامه دیده می‌شود واقفان، ترتیبِ بطنی نظام شرعی میراث را علیه دختران و به نفع فرزندان ذکور تغییر داده‌اند.

زنان واقف در امپراتوری عثمانی:

از مجموع ۲۶۰۰۰ وقفی که از زمان تأسیس امپراتوری عثمانی ایجاد شده و وقف نامه‌هایشان در آرشیو اداره کل اوقاف موجود است، ۲۳۰۹ وقف را زنان برپا داشته‌اند. ۳۳ از این مقدار اوقاف

زنان، ۱۶/۸۳ درصد در قرن دهم^{۳۴} و ۳۰/۰۶ درصد در قرن یازدهم^{۳۵} ایجاد شده است. علت اینکه حدود سی درصد اوقاف در قرن یازدهم برپاشده به نظر می‌رسد با این موضوع مرتبط باشد که آن دوره در عثمانی دوره «سلطنت زنان» به شمار می‌رود؛ چرا که اکثریت این واقفان (می‌توان گفت نود درصد) را همسران، دختران و مادران حاکمان و طبقه بالای عثمانی تشکیل می‌دهند. تعداد بسیار کمی از آن‌ها می‌توانند افراد معمولی باشند. می‌توان این ارقام مرتبط با تمامی پهنه امپراتوری را با اوقاف زنان که در دو سنجاق امپراتوری تأسیس شده‌اند نیز مقایسه کرد. برای مثال از ۱۱۴ وقف ثبت شده در دفتر لوای آنکارا (نفس انقره) مورخ ۹۷۹^{۳۶}، ۱۱ مورد را زنان تأسیس کرده‌اند. براساس نتایج تحقیقی درباره نقش اوقاف سیواس در بین سال‌های ۱۷۰۰ تا ۱۸۵۰ نیز مؤسس ۲۲/۵۵ درصد اوقاف سیواس زنان بوده‌اند.^{۳۷} اینکه درصد واقفان زن به نسبت کل واقفان در امپراتوری عثمانی حدود ۲۰

درصد است، نشان می‌دهد که جامعه عثمانی جامعه‌ای مردسالار بوده است. به عبارت دیگر رییس خانه مرد بوده و پدرسالاری در آن جامعه رایج بوده است؛ از این رو رقم بیست درصد چندان نیز عجیب نیست. اساساً حکومت از جمع خانواده همیشه شوهر را به عنوان پرداخت کننده مالیات می‌شناخته است. این را به راحتی می‌توان در دفاتر تحریر مشاهده کرد.^{۳۸} در اینجا باید به این نکته نیز توجه داشت که این زنان واقف به طبقه حاکمان و اشراف جامعه عثمانی منسوب بوده‌اند؛ همسران، دختران و مادران انسان‌های معمولی نبوده‌اند. تقریباً ۹۵ درصد واقفان عثمانی به طبقه حاکم و اشراف منسوب بوده‌اند؛ به واقع نمی‌توان ادعا کرد که درصد واقفان منسوب به طبقه رعایا یعنی انسان‌های معمولی از پنج درصد بیش تر بوده است. برای نمونه بر اساس نتایج پژوهشی بر روی ۷۷۸ وقف نامه از سده دهم هجری، درصد واقفان از طبقه رعایا ۲/۸۲ درصد (۲۳ مورد از ۷۷۸ مورد) بوده است.^{۳۹} این

میزان در مورد واقفان قرن یازدهم از ۰/۵۴ درصد فراتر نبوده است.^{۴۰} این میزان در قرن دوازدهم نیز تغییری به خود ندیده است.^{۴۱}

از آنجا که تمرکز بزرگان دولتی و به تبع آن ثروت در مرکز حکومتی یعنی استانبول بوده؛ از این رو در سده‌های دهم و یازدهم هجری به طور متوسط پنجاه درصد اوقاف کل امپراتوری و به همین میزان اوقافی که زنان برپا داشته‌اند در استانبول قرار داشته است. در رأس واقفان زن در استانبول سلطان بانوها (زنان منسوب به خاندان سلطنتی) قرار داشته‌اند که اوقاف بسیار معظمی ایجاد کرده‌اند. وقتی به خلاصه ۱۸ وقف نامه و ۴۷ ذیل وقف نامه مربوط به این سلطان بانوها مندرج در کتاب زنان واقف در تاریخمان نگاه می‌کنیم، ابعاد ثروتی که این زنان درباری وقف کرده‌اند بسیار تعجب برانگیز است؛ برای مثال در آرشیو اداره کل اوقاف سه وقف نامه مربوط به عایشه سلطان، دختر سلطان مراد سوم^{۴۲} موجود است. بر اساس وقف نامه نخست مورخ اول

شعبان ۱۰۱۱، عایشه سلطان این اموال را وقف کرده است: ۲۵ اتاق، یک قایق خانه، دو منزل، دو مغازه بقالی، یک عرصه (زمین) و یک باغچه در استانبول، چهار آسیاب در روم ایلی؛ ۸۰۰۰ رأس گوسفند در فلیپ و مزرعه‌ای در قبرس. در وقف نامه دوم با همان تاریخ، عایشه سلطان وصیت کرده که بعد از مرگ یک سوم اموالش وقف شود و شروط زیر نیز به جای آورده شود:

۱. یک مدرسه و یک معلم خانه بنا شود؛
۲. به مدرس، معلم، معید (دستیار) و دانش آموزان دستمزد و البسه داده شود؛
۳. در مقبره‌ای که در آن دفن خواهد شد روزانه ۶۰ جزءخوان دو بار قرآن را ختم کنند؛ علاوه بر این ۶۰ جزءخوان، ۲۴ جزءخوان دیگر شبانه روز قرآن تلاوت کنند؛
۴. ۱۵ تسبیح خوان با تسبیح ذکر بگویند؛
۵. نمازگزاری برای ادای نمازهای



مسجد جامع از آثار خدیجه طرخان والده سلطان

قضای واقف تعیین شود؛

۶. شخصی به جای واقف حج به جای آورد؛

۷. در روز عاشورا غذای عاشورا پخته و میان فقرا پخش شود؛

۸. هر سال مولد شریف^{۴۳} قرائت و در کنار مزار همسرش ابراهیم پاشا چشمه‌ای ساخته شود.

عایشه سلطان در سومین وقف نامه خود با همان تاریخ، ۲۵۰ مغازه و ۱۲۰۰ رأس گوسفند در بولو، سه روستا در مصر، دو منزل در دمشق، ۶۰ مغازه و یک قهوه‌خانه در حما را وقف کرده و درآمد این عقارات را برای هزینه در اوقاف قبلی اختصاص داده است.^{۴۴}

یکی دیگر از سلطان بانوهای واقف خدیجه طرخان والده سلطان مادر محمد چهارم است که در ۱۰ رجب ۱۰۹۴ درگذشت. از وقف نامه مورخ ۲۷ رجب ۱۰۷۳ او بر می‌آید که علاوه بر مکتب، سبیل خانه، کتابخانه و مقبره در استانبول، قلاع سلطانیه و سد البحر در چناق قلعه را به همراه مسجد، مکتب، خانه‌های محافظان

قلعه، پناهگاه‌ها و مغازه‌های داخل قلعه با هدف محافظت از مسلمانان در برابر ظلم دشمنان و استیلای آنان وقف کرده است. خدیجه طرخان والده سلطان برای تأمین هزینه‌های این خیرات، عقارات بسیاری را در استانبول و روم ایلی وقف کرده است: سه نانوایی، چهار مغازه و هاون‌های بزرگ سنگی مخصوص قهوه در استانبول؛ عرصه‌هایی در محمودپاشا و محله عرب‌ها؛ ۴۰ روستا و ۵ مزرعه در روم ایلی؛ و نیز ۵۲۰۰ قوروش (واحد پول) برای خرید عقاراتی نظیر عرصه (زمین) و مزرعه در نقاط مختلف آناتولی. واقف از محل درآمد عقارات برای افراد شاغل در موقوفات روزانه مجموعاً ۶۴۲۸ آقچه اجرت و مقرری، تأمین هیزم و زغال مورد نیاز دانش آموزان مکتب سالانه ۳۰۰۰ آقچه، گردش تابستانی دانش آموزان ۳۰۰۰ آقچه، خرید برف برای سبیل خانه (سقاخانه) ۲۰۰۰۰ آقچه، و خرید هیزم، پیاز و برنج برای نیازمندان در ماه رمضان ۱۲۰۰۰ آقچه اختصاص داده است. وی همچنین برای تأمین

شمع، روغن زیتون و ... مورد نیاز برای روشنایی چراغ‌های مساجد سالانه ۳۰۰۰ آقچه و برای افرادی که وظیفه داشته‌اند تا در شب‌های مبارک چراغ‌ها را روشن کنند ۴۰۰۰ آقچه در نظر گرفته است. والده سلطان علاوه بر این، ۷۵۰۰ قوروش برای تأمین آب مسلمانان عازم حج تعیین کرده که با این مقدار پول باید ۷۵ شتر اجاره می‌شد تا بخشی از آن‌ها برای حجاج آب برسانند و بخشی نیز اشیا و وسایل آن‌ها را حمل کنند.^{۴۵}

منبع ثروت این دو بانوی سلطنتی همانند دیگر سلطان بانوها، به جهت انتساب به خاندان سلطنتی، سیاسی است؛ از این رو به هنگام درگذشت این خانم‌ها، تمام اموال و دارایی‌های وقف نکرده شان از سوی دولت مصادره می‌شد؛ یعنی به خزانه دولتی عودت داده می‌شد. برای نمونه بعد از آنکه قایا سلطان همسر ملک احمد پاشا، چهار روز بعد از زایمان درگذشت، حتی اشیای شخصی پاشا نیز مصادره شد. به دنبال این امر اگرچه ملک احمد پاشا با

گفتن اینکه «زن جماعت زره، کلاه خود، شمشیر، خرگاه، تفنگ و پوست پلنگ به چه دردش می‌خورد؟ آن‌ها اموال من است» به مصادره اموالش اعتراض می‌کند؛ اما مأمور مصادره می‌گوید که «وقتی قایا فوت کرد این اموال در کاخ او قرار داشته‌اند». اولیا چلبی با آن زبان استهزاآمیزش نقل می‌کند که به همراه دیگر اشیای احمد پاشا، ۱۷۰۰ کیسه پول، ۳۰۰۰ تفنگ و ۲۰۰ شمشیر او را به این عنوان که جزئی از دارایی‌های قایا سلطان است مصادره کردند.^{۴۶}

ثروت آن عده واقفان زن که از خاندان سلطنتی نبودند و در واقع ثروتی که وقف کرده بودند در مقایسه با سلطان بانوها بسیار محدود بود و آنگونه که از وقف نامه‌ها برمی‌آید بیش‌تر این واقفان زن در استانبول اقامت داشتند و بسیاری نیز اصالتاً برده بودند. نام‌های این زنان نیز با ماجراهای زندگی شان مرتبط بود. تاجران برده این زنان را که از نژادهای گوناگون و در عین حال صاحب جمال بودند، به مرکز امپراتوری، استانبول، می‌آوردند.^{۴۷} هر

رجل حکومتی با توجه به تمکن مالی هر زمان که اراده می‌کرد می‌توانست هر تعداد از این زنان جاریه را خریده و زن صیغه‌ای خود سازد؛ زیرا در حقوق اسلامی مرد می‌تواند حداکثر با چهار زن ازدواج کند؛ اما درباره جاریه‌ها چنین محدودیتی وجود ندارد. مثلاً از وقف نامه شیخ الاسلام محمد بن سعدالدین برمی‌آید که وی هشت زن صیغه‌ای (متعّه) و یک امّ و ولد داشته است.^{۴۸} از شروط مقرری وقف نامه مورخ ذی الحجه ۱۰۲۶ احمدپاشا بن الحاج محمد برمی‌آید که او چهار ام‌ولد و یک خاتون داشته است؛ علاوه بر این پاشا برای ده زن دیگر نیز مقرری در نظر گرفته بود.^{۴۹} به همین ترتیب قاپوآقاسی اسماعیل آقا از اهالی ملطیه شش جاریه آزاد شده با نام‌های افتخار، صالحه، فاطمه، خدیجه، صفیه و عالیه داشته است.^{۵۰} واقفی به نام مصطفی آقا که در اواخر جمادی الاولی ۱۰۱۵ در استانبول وقفی برپا داشته، ام‌ولدی با نام کامله و با اصالت مجار، نیز جاریه‌ی آزاد شده‌ای به نام شیرین با اصالت

آلبانیایی داشته است.^{۵۱}

هنگامی که به وقف نامه زنان خارج از خاندان سلطنتی نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که بخشی از آن‌ها اصالتاً برده و بخشی نیز اصالتاً حرّ و آزاد و در عین حال بسیاری نیز بیوه و بی‌کس بوده‌اند. هدف اصلی اینان از وقف اموالشان آن بوده که بعد از مرگ، دارایی هایشان به خزانه بیت المال منتقل نشود؛ بلکه به جاریه‌ها و افرادی که در حال حیاتشان در خدمت آنان بوده‌اند برسد. دارایی‌ای نیز که وقف کرده‌اند عموماً یک مسکن و یا اموال منقول و غیر منقول محدودی بوده است. برای نمونه در وقف نامه فخریه خاتون که خانه خود واقع در محله حاجی محیی‌الدین در کنار دروازه ادرنه در استانبول را وقف کرده، قید شده که وی زنی بیوه و بی‌کس است و خانه مزبور ابتدا به وی و سپس به جاریه آزاد شده‌اش هدایت دختر عبدالله^{۵۲} و اولاد اولاد او وقف گردیده است.^{۵۳} از وقف نامه فاطمه خاتون بنت ابراهیم نیز چنین استنباط می‌شود که وی زنی

بیوه و بی کس بوده، دو خانه در محله علی پاشای عتیق در استانبول داشته که یکی را به قهرمان خاتون بنت عبدالله و دومی را به یکی دیگر از بندگانش وقف کرده است.^{۵۴} فاطمه خاتون بنت حسین دو مغازه و یک کوشک خود واقع در زُدوسجوق^{۵۵} (تکیرداغ) را به شرط آنکه در زمان حیات از آن خود او باشد و بعد از آن به دو جاریه آزاد شده اش صالحه بنت عبدالله و مستقیمه بنت عبدالله و فرزندان آنان علی السویه برسد، وقف کرده است.^{۵۶} از وقف نامه‌های فوق الذکر برمی آید که واقفان آن‌ها اصالتاً حرّ و در عین حال بیوه و بی کس بوده‌اند. اگر اینان بی آنکه اموالشان را وقف کنند از دنیا می‌رفتند، اموالشان به بیت المال منتقل می‌شد. در موردی مشابه، به سه وقف نامه از آن حُسنی خاتون بنت عبدالله مورخ ۲۱ جمادلی الاولی^{۱۰۰۰۵۷}، زلاله خاتون بنت عبدالله مورخ ۲۳ رجب ۱۰۱۲^{۵۸} و شمعی خاتون بنت عبدالله مورخ ۲۱ محرم ۱۰۱۲^{۵۹} بر می‌خوریم. هر سه زن واقف اصالتاً برده، دو تن از آنان

بیوه و بی کس، یکی نیز شوهردار اما بی فرزند بوده‌اند. دو تن از آنان مدبره (بَسَلْمَه) و یکی نیز جاریه آزاد شده داشته است. هر کدام از این واقفان خانه خود واقع در محلات مختلف استانبول را اولاً برای خود، و بعد از مرگ برای اشخاص مزبور وقف کرده است. هدف اینان از وقف، از یک سو ادای دین به کسانی است که در طول حیاتشان به آنان خدمت کرده‌اند و از سوی دیگر مصون نگه داشتن اموالشان از مصادره به نفع بیت المال بوده است. اینچنین زنان واقفی، برای کسانی که به آن‌ها در موقوفات خود حق سکنی و یا چیزی دیگر داده‌اند، برخی وظایف دینی نظیر خواندن سوره اخلاص و یا دعا نیز تعیین کرده‌اند. برای مثال گل احمر خاتون خانه خود در محله معمار سنان استانبول را نخست برای خود، سپس شوهرش و سپس بندگان آزاد شده و اولاد آن‌ها وقف کرده است؛ اما این شرط را هم گذاشته که ساکنان در خانه اش برای شادی روح وی باید روزانه سه بار سوره اخلاص بخوانند

و یکصد بار صلوات بفرستند.^{۶۰} از این دست نمونه‌ها بسیار است؛ البته باید به این موضوع نیز توجه داشت که همه زنان واقف در طول سده‌های دهم و یازدهم بیوه و بی کس نبوده‌اند، با این همه این گروه در اکثریت قرار داشتند. در کنار این مسأله، تعداد زنانی که در جهت خدمات دینی، اجتماعی و فرهنگی، در دایره امکاناتشان، به ایجاد اوقاف دست زده‌اند کم نبوده است. برای مثال عقارات وقف فاطمه خاتون بنت محمد، بر اساس وقف نامه مورخ ۲۰ ربیع الاول ۱۰۲۱، از ۱۶ مغازه، چهار نانوايي، یک گارگاه پالان دوزی، یک قهوه خانه، دو منزل، یک مخزن، یک رنگرزی، یک عرصه (ارض خالی)، خانه ۱۶ اتاقه و ۱۵ انبار تجاری در نقاط مختلف استانبول تشکیل می‌شده است. خیرات این خانم یک تعلیم خانه، یک سقايه (نوعی چشمه که در تابستان آبش را با برف خنک می‌کرده‌اند)، یک مسجد، مسجدی در قرب بزآستان جدید، تبدیل مسجد الحاج خسرو به جامع، تأمین هزینه

روشنایی و مفروش ساختن مساجد مختلف، تأمین سوخت و لباس دانش آموزان مکتب الحاج خسرو، استخدام معلم، خلیفه و قیوم برای آن مکتب، همچنین استخدام افرادی به عنوان جزءخوان، نبأخوان و یس خوان بوده است. واقف مازاد درآمد موقوفات را به طور مساوی به فرزندان دختر و پسر خود اختصاص داده است.^{۶۱} از جمله خیرات موقوفه عابده خاتون بنت حسن جان در بورسا این موارد بوده است: در ابتدای ماه رمضان برای زنان بیوه و کودکان یتیم لباس خریده شود؛ شب‌های جمعه به درویشان مشغول ذکر در مسجد علاءالدین پلو، شله زرد، یخنی و شربت داده شود؛ هر سال در روز عاشورا غذای عاشوره پخته و میان فقرا تقسیم شود. همچنین او ۱۰۰۰ آقچه برای پرداخت مالیات عوارض فقرا اختصاص داده است.^{۶۲} تعیین امام و مؤذن مسجد به عنوان جزءخوان برای قرائت قرآن به جهت شادی روح واقف امری مرسوم در میان واقفان قرن دهم بوده است. برای مثال از یازده

پی نوشت

۱. اصل این مقاله در مجموعه زیر چاپ شده است :

Hasan Yüksel, "Osmanlı Toplumunda Vakıflar ve Kadın (XVI – XVII. Yüzyıllar)", Osmanlılar, Editör: Güler Eren, C. 5, Yeni Türkiye Yayınları, Ankara 1999, s. 49 – 55.

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه جمهوری (سیواس / ترکیه)

۳. عضو هیئت علمی گروه عرفان دانشنامه جهان اسلام

(muqeddem@gmail.com)

۴. وقف نامه مصطفی پاشا بن سلیمان مورخ جمادی الاولی ۱۰۹۲، آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۵ / ۴۴۹/۱۲۹

5. Tarihimizde Vakıf Kuran Kadınlar: Hanım Sultan Vakfiyeleri, İstanbul Araştırma Merkezi, 1990.

۶. بیانات و شروطی که از سوی واقف بعداً به متن وقف نامه افزوده می شود.

7. Gabriel Baer, "Women and Waqf: An Analysis of the İstanbul Tahrir of 1546", Studies in the Social History of the Middle East in Memory of Professor Gabriel Baer, Asian and African Studies, XVII (1983), 9 – 27.

واقف زن (مندرج در دفتر اوقاف لوای آنکارا نفس انقره) مورخ ۹۷۹، به غیر از یکی بقیه با نقود و عقار وقف کرده خود، جزء خوان تعیین کرده اند.^{۶۳}

به عنوان نتیجه باید گفت که اگر به روابط زن و وقف از منظر انتفاع زن از اوقاف بنگریم، باید بگویم که دیدگاه عثمانی به زن، به عنوان یکی از عناصر اصلی جامعه در امر وقف، در حیات اجتماعی جامعه عثمانی جایگاه ویژه ای داشته است، که گاهی به نفع و گاهی نیز علیه زن بوده است. اگر به زن از منظر وقف بنگریم باید بگویم که زنان نسبت به مردان در امر وقف دارای نیت خالصانه تری بوده اند.

- شماره ۱۰۲ / ۶۳۲.
۱۵. آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۶۶ - ۵۶ / ۲۱۴.
۱۶. آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۵۷ / ۵۸ - ۸۹ / ۵۷۰.
17. Hasan Yüksel, "Vakfiyelere Göre ...", s. 480.
۱۸. آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۲۸۰ / ۶۲۴.
19. Bor Şer'iyeye Sicili, No: 1 (929 - 937), v. 195.
20. Hasan Yüksel, Osmanlı Sosyal ve Ekonomik Hayatında Vakıfların Rolü (1585 - 1683), Sivas, 1998, s. 98.
۲۱. وقف نامه قارا چلبی زاده محمد بن حسام الدین، آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۹۸ / ۵۷۱؛ برای وقفی مشابه نک: وقف نامه حسن آقا بن عبدالله، ۱۰۵۹، استانبول، آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۱۴۴ - ۱۳۷ / ۵۷۱.
۲۲. آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۵۱ / ۷۳۴.
۲۳. آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۱۴۷ / ۵۹۸.
۲۴. آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۱/۱ / ۶۱۱.
25. Hasan Yüksel, Osmanlı Sosyal..., s. 226, Tablo:9.
26. Ankara Şer'iyeye Sicili, 25, 259.
8. Hasan Yüsel, "Vakıf Müsadere İlişkisi (Şam Valisi Vezir Süleyman Paşa Olayı)", Osmanlı Araştırmaları, XII, İstanbul 1992, 399 - 424.
9. Hasan Yüksel, "Vakıflara Göre Osmanlı Toplumunda Aile", Sosyo Kültürel Değişme Sürecinde Türk Ailesi, II, Ankara 1992, 479.
۱۰. برای مثال در وقف نامه حسن بیگ بن محمد بیگ به تاریخ اوایل ذی القعدة ۱۰۳۶ در این باره چنین گفته شده: «... کسانی که از اختلاف و جدل فرزندان و صرف اموال در راههای نامشروع نگرانند، وقف مالکیت اموالشان و تسبیل زواید و غلات، آن اموال را از زوال و اتلاف مصون و تا ابد حفظ می کند...»، آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۱۱۵ / ۶۰۸.
۱۱. وقف نامه الحاج سلیمان بیگ بن مصطفی بیگ به تاریخ غره ربیع الاول ۱۰۹۵، آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۶۸ / ۱۹۹۳.
۱۲. وقف نامه حاجی مراد بیگ بن عبدالمنان به تاریخ ۲۹ ربیع الاول ۱۰۱۹، آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۶۸ / ۶۲۴.
۱۳. «ذکور و اناث علی السویه متصرف شوند...»، آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۲۹۰ / ۵۸۹.
۱۴. آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر

- معلم جودت (ایناچ آلپ) تهیه کرده است
 رک: ذیل علی فصل الاخیه الفتیان التریکیه
 فی رحله ابن بطوطه، استانبول ۱۹۳۲، ص
 ۲۲۷ - ۲۳۰.
37. Ömer Demirel, Sivas Şehir Hayatında Vakıfların Rolü (1700-1850), Basılmamış Doktora Tezi, Ankara 1991, s. 237, Tablo:9.
38. Halil İnalçık, "Köy Köylü ve İmparatorluk", Osmanlı İmparatorluğu (Toplum ve Ekonomi), İstanbul 1992, s. 468 - 503.
39. Hasan Yüksel, "XVI. Yüzyıl Osmanlı ...", s. 5.
40. Hasan Yüksel, Osmanlı Sosyal ..., s. 216, Tablo: 4.
۴۱. درصد رعایایی که مبادرت به ایجاد وقف کرده‌اند در این قرن ۸۲ / ۱ است. نک:
 Bahaeddin Yediyıldız, "Türk Vakıf Kurucularının Sosyal Tabakalaşmadaki Yeri, 1700 - 1800", Osmanlı Araştırmaları, III, İstanbul 1982, s. 155.
۴۲. عایشه سلطان در سال ۹۹۵ هجری با ابراهیم پاشا ازدواج کرد و در ۲۶ ذی الحجه ۱۰۱۳ درگذشت.
۴۳. مولودی، اشعار و متون ادبی درباره ولات پیامبر اسلام (ص) که با اصولی خاص خوانده می‌شود م.
 44. Tarihimizde Vakıf Kuran
- 1074.
27. BOA., Mühimme Def. No: 264/106.
28. Ömer Lütfi Barkan, "Türk - İslam Toprak Hukuku Tatbikatının Osmanlı İmparatorluğu'nda Aldığı Şekiller: Malikane-divani Sistemi", Türkiye'de Toprak Me-selesi: Toplu Eserler: 1- Gözlem Yayınları, İstanbul 1980, s. 204.
۲۹. وقف نامه آقازاده السید الحاج ابراهیم آقا بن حسین آقا، اوایل ربیع الآخر ۱۰۸۰، برگامه، آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۴۶۹ / ۷۴۰.
۳۰. آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۲ / ۵۸۱، ۴۸۷ / ۵۱۲.
۳۱. آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۲۵۵ / ۶۰۷.
۳۲. آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۱۸۳ / ۲۴۹ / ۵۹۲.
33. Tarihimizde Vakıf Kuran Kadınlar ... , s.9.
34. Hasan Yüksel, "XVI. Yüzyıl Osmanlı Vakıfları", Halil İnalçık Hatıra Kitabı, Eren Yayıncılık, İstanbul (baskıda).
35. Hasan Yüksel, Osmanlı Sosyal ..., s. 211, Tablo: 1.
36. Tapu Kadastro Genel Müdürlüğü Arşivi, Def. No: 558;
 برای فهرستی از تمام اوقاف زنان در آنکارا که

- ۹۸۸
۵۷. آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۱۴۲ / ۲ / ۶۱۸.
۵۸. آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۱۱۵ / ۱۷۶۳.
۵۹. آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۱۵۱ / ۱۷۷ / ۱ / ۶۱۸.
۶۰. آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۱۲۹ / ۱۹۶۶؛ به همان صورت وقف نامه فاطمه خاتون بنت عبدالله آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۸۶ / ۷۶ / ۱۹۶۵.
۶۱. آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۱۵۵ / ۹۰ - ۱۵۳ / ۵۷۰.
۶۲. وقف نامه عابده بنت حسن جان، اوایل ذی الحجه ۱۰۲۴، بورسای، آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۱۶۹ / ۱۳۲ / ۶۱۰.
63. TKGM, Arşivi, Def. No: 558.
- Kadınlar ... s. 29.
45. ibid. s. 61.
46. Seyahatname, V, İstanbul 1315, s. 255 – 266.
47. Hasan Yüksel, Osmanlı Sosyal ... s. 43 – 52.
۴۸. وقف نامه شیخ الاسلام محمد بن سعدالدین به تاریخ اوایل رجب ۱۰۲۰، استانبول، آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۱۲۷ / ۵۷۳.
۴۹. آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۴۳ / ۸۱ / ۷۹ / ۵۷۱.
۵۰. وقف نامه قاپو آقاسی اسماعیل آقا ملطیوی، اوایل صفر ۱۰۳۵، استانبول، آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۳۵ / ۵۰ / ۲۲۱۸.
۵۱. آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۸۷ / ۷۴ / ۱۹۶۶.
۵۲. نام عبدالله نشان می دهد که وی اصالتاً برده بوده است م.
۵۳. وقف نامه فخریه بنت مراد، صفر ۱۰۱۴، استانبول، آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۹۶ / ۱۹۶۶.
۵۴. وقف نامه فاطمه بنت ابراهیم، ۱۷ صفر ۱۰۳۳، استانبول، آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۳۱۹ / ۳۳۰ - ۱۷۶۳ / ۳۲۹.
55. Roduscuk
۵۶. وقف نامه فاطمه بنت حسین، ۱۵ محرم ۱۰۶۴، رودوس جوق، آرشیو اداره کل اوقاف (VGMA)، دفتر شماره ۱۸۶ /